

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: تی پری میسان - par Thierry Meyssan

برگردان از: حمید محوی

۰۲ جون ۲۰۱۴

امپراتوری بی ستراتیژی نظامی

رئیس جمهور اوپاما نظریه ستراتیژی خود را در آکادمی نظامی وست پوینت مشخصاً توضیح داد. اوپاما در سخنرانی اش اظهار داشت که قدرت نظامی ایالات متحده امریکا از دیدگاه فنی توسط روسیه و چین پشت سر گذاشته شده است. در نبود قابلیت رویارویی با مسکو، او از دست دادن کریمه را به سکوت برگزار کرد و ترجیح داد که از تنها دشمنی که باید و شاید حرف بزند: تاکتیک تروریسم. در حالی که اردوگاه های القاعده در کشورهایی بر پا شده که تحت اشغال ناتو هستند و یا حتی از کشورهای عضو ناتو می باشند. او اعلام کرد که طرح گسترده ای برای مبارزه علیه آنها تدارک دیده و سرانجام برای چندمین بار پشتیبانی خودش را از «اپوزسیون سوریه» اعلام کرد و قول داد که پس از کسب موافقت کنگره از کمک رسانی به آنها کوتاهی نخواهد کرد...

شبکه ولتر | ۳۱ می ۲۰۱۴



ایالات متحده تنها در اظهارات رئیس جمهور اوپاما «ملتی ضروری و اجتناب ناپذیر» به نظر می رسد.
رئیس جمهور اوپاما، ۲۸ می، سخنرانی مهمی به مناسبت اهداء دیپلم به فارغ التحصیلان مدرسه نظامی وست پوینت در مورد نظریه ستراتیژی خود ایراد کرد(۱).

بی آن که موجب شگفتی شود، رئیس جمهور یادآور شد که به قول خود وفادار مانده و قطعات امریکائی را که در افغانستان و عراق مستقر بودند به خانه بازگردانده و اسامه بن لادن را نیز حذف کرده است. ولی آنچه را که او به عنوان ترازنامه افتخار آمیز مطرح کرد، واقعیت ندارد: زیرا سربازان امریکائی از پا افتاده از افغانستان بازگشتند و از عراق گریختند پیش از آن که با مقاومت مردمی درگیر شوند. مخارج سرسام آور این لشکر کشی ها — بیش از ۱۰۰۰ میلیارد دالر — مانع از این شد که پنتاگون به امور انبار سلاح هایش رسیدگی کند. اما در مورد بن لادن، داستانی که او تعریف می کند کودکانه به نظر می رسد، زیرا اسامه بن لادن هیچ ارتباطی با سوء قصد ۱۱ سپتمبر نداشت و همانگونه که ام آی ۶ تأیید کرده است (۲) سال ۲۰۰۱ در اثر بیماری درگذشته و به خاک سپرده شده است.

در اینجا، قابلیت ایالات متحده در ادامه روایت داستان تخیلی اش تنها می تواند تحسین ما را برانگیزد، و اگر چه مدارک معتبر آن را تکذیب کرده است، با این وجود نشریات طرفدار آتلانتیک تعبیر رسمی را دائماً تکرار می کنند.

رئیس جمهور در سخنرانی اش کشور خود را از دیدگاه نظامی و اقتصادی به عنوان «ملتی ضروری و اجتناب ناپذیر» معرفی کرد. ولی هیچ یک از این دو مورد مذکور حقیقت ندارد. ۱۴ می، جنرال مارتین دامپسی، رئیس کمیته فرماندهان مرکز فرماندهی در مقابل شورای آتلانتیک اعتراف کرد که اگر فوراً برای به روز رسانی فن آوری نظامی اقدامی صورت نگیرد، طی ده سال آینده نیروهای مسلح امریکا برتری خود را به شکل قطعی از دست خواهند داد (۳). یعنی امری که با توجه به محدودیت بودجه ها برای ایالات متحده امریکا امری نا محتمل به نظر می رسد. از دیدگاه پنتاگون تأخیر در پژوهش های نظامی احتمالاً بازگشت ناپذیر است. تکنولوژی نظامی به روز شده روسیه و چین امروز پیشرفته تر از ایالات متحده است. برای جبران این فاصله دیگر دیر شده است. برتری ظاهری واشینگتن تنها به این امر بستگی دارد که قطعات ایالات متحده در تمام جهان مستقر هستند. این برتری تنها در برخی صحنه های عملیاتی حقیقت دارد، ولی نه علیه روسیه و نه علیه چین پیروزمندانه از جنگ جهانی بیرون خواهد آمد. در مورد اقتصاد نیز اکثر محصولات مصرفی در ایالات متحده در چین ساخته می شود.

بر اساس این فانتسم، به گفته واشینگتن پست که تنها از ضعف نسبی ارتش امریکا یاد می کند (۴)، رئیس جمهور اوپاما اعلام کرده است که اگر منافع کشور او به خطر بیفتد، هیچ تردید برای مداخله به خود راه نخواهد داد، ولی برای حل مسائل دورتر، از هم پیمانان بین المللی خود استفاده خواهد کرد. او اظهار داشت که خلاف دوران جنگ سرد، روسیه خطر فوری به حساب نمی آید، ولی دشمن اصلی تروریسم است.

در نتیجه پیوستن کریمه به فدراسیون روسیه اهمیتی ندارد. واشینگتن علیه مودی که آن را «ضمیمه سازی» خوشنتراب می نامد مبارزه نخواهد کرد که با نقض حقوق بین الملل صورت گرفته، و تردیدی به خود راه نمی دهد که ولادیمیر پوتین را به آدولف هیتلر تشبیه کند.

به ویژه طی ۱۳ سال «جنگ علیه تروریسم»، واشینگتن مدعی شده است که تعدادی از سرکردگان فئاتیک از میان رهبران القاعده را از بین برده است که در صحنه بین المللی فعال بوده اند، ولی از این پس باید با مشکل وخیم تری رویارویی کند: القاعده تعداد بسیار زیادی شبکه در سر تا سر جهان ایجاد کرده است.

مزیت این «جنگ بی پایان» آن است که هر اقدامی را مجاز می دارد. از سال ۲۰۰۱ واشینگتن با مظلوم نمائی و قربانی جلوه دادن کشورش، خود را مجاز می داند که حاکمیت هر کشوری را ندیده بگیرد، هر فردی را در هر کجا و در هر زمانی که مناسب بداند بر بایند و یا بمباران کند. برای ادامه چنین جنگی رئیس جمهور اوپاما ایجاد «صندوق مشترک برای مبارزه علیه تروریسم» را اعلام کرده است که در سطح ۵ میلیارد دالر است. هدف از ایجاد چنین صندوقی تشکیل سرویس های امنیتی برای کشورهای هم پیمان است. چه کسی می تواند به چنین برنامه ای باور داشته باشد؟ هم اکنون تروریست ها در چندین اردوگاه القاعده متشکل شده اند و در صحرای لیبیا مستقر هستند، یعنی کشوری

که تحت اشغال ناتو می باشد. در حالی که سه اردوگاه القاعده در شانلی اورفه، عثمانیه و قرمان در ترکیه بر پا شده، یعنی در یک کشور عضو ناتو(۵).

سوری ها اعترافات تلویزیونی یکی از امرای جبهه النصره (از شبکه های القاعده) را به خاطر می آورند که موشک های کیمیائی را از یک پایگاه نظامی ترکیه به غوطه در حومه دمشق منتقل کرده بود. به گفته این فرد، نه تنها سلاح ها از سوی یک ارتش عضو ناتو تحویل داده شده بود بلکه فرمان استفاده از آن زیر پرچم دروغین نیز توسط همین ارتش عضو ناتو صادر شده بود تا بهانه ای برای بمباران سوریه توسط ایالات متحده به وجود بیاورند. در واقع فرمان به کار بستن سلاح کیمیائی از سوی ایالات متحده صادر شده بود.

۱۳ سال پس از رویداد ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱، چه کسی می تواند باور کند که القاعده دشمن اصلی «ملت ضروری و اجتناب ناپذیر» است، در حالی که بارک اوباما در سخنرانی در دانشکده ملی دفاع، ۲۸ می ۲۰۱۳ عناصر مرتبط به القاعده را « با قابلیت کمتر » تشریح نمود (۶)، و اعلام کرد که خطر به شکل نسبی تحول یافته و از این پس جزء اولویت های ایالات متحده نیست.

در مورد سوریه، رئیس جمهور اوباما طی سخنرانی در وست پوینت اعلام کرد که ما باید «به مردم سوریه یاری رسانیم تا در مقابل دیکتاتوری که به آنها با بمباران و تحمیل گرسنگی پاسخ می گوید مقاومت کنند». به همین علت واشینگتن « به آنهایی که برای احقاق حقوق تمام سوری ها مبارزه می کنند تا مردم سوریه سرانجام بتوانند مبتکر آینده خود باشند کمک خواهد کرد » (توجه داشته باشیم : کمک نه به سوری هایی که برای انتخاب رئیس جمهور خودشان رأی می دهند، بلکه تنها به آنهایی که حاضر به همکاری با آن دولت استعماری هستند که توسط ناتو تشکیل شده است). علاوه بر این، چرا تنهایی در سوریه مداخله کنیم ؟ زیرا که «جنگ داخلی سوریه به فراسوی مرزهای کشور گسترش می یابد، گروه های افراطی جنگ آزموده ممکن است ما را نیز هدف قرار دهند». به عبارت دیگر پس از به آتش کشیدن سوریه، ایالات متحده می تواند طعمه زبانه آتشی بشود که خود او برافروخته است. و در ادامه می گوید :

« ما تلاش هایمان را برای پشتیبانی از همسایگان سوریه افزایش خواهیم داد — اردن، لبنان، ترکیه، عراق — که به مسئله پناهندگان رسیدگی می کنند. من با کنگره برای افزایش کمک به عناصر اپوزیسیون سوریه کار خواهم کرد. این عناصر اپوزیسیون بهترین آلترناتیو برای تروریست ها و دیکتاتوری خشونتبار هستند. علاوه بر این، در چشم انداز راه حل سیاسی برای این بحران، ما به همکاری با دوستان و هم پیمانان اروپائیمان و به همین گونه در جهان عرب ادامه خواهیم داد تا این کشورها و نه تنها ایالات متحده، هر یک به سهم خود مردم سوریه را پشتیبانی کنند »

به عبارت دیگر، کاخ سفید با کنگره به شیوه ای مذاکره می کند که خواست های شخصی اعضای اتحادیه ملی را برآورده سازد. به گزارش روزنامه، واشینگتن می تواند برای کشورهای هم مرز آموزش های نظامی و سلاح مدرنتری در نظر بگیرد.

—اگر واشینگتن بخواهد همکاران سوری خود را آموزش بدهد و آنها را به سلاح های مدرنتر مجهز سازد، باید بپذیریم که پیش از این در سطح گسترده به چنین امری اقدام نکرده و تنها مزدوران خارجی در چهار چوب القاعده را به خدمت گرفته است.

—اگر ۲۵۰۰۰۰ مزدور مسلح جهاد طلب طی سه سال قادر به سرنگون سازی دولت سوریه نبوده اند، چگونه چند هزار همکار استعمار غرب می توانند از عهده چنین کاری برآیند ؟

—چرا دولت های مرزی که از پیش در جنگی مخفیانه شرکت داشته اند، خواهند پذیرفت که با سوریه وارد جنگ علنی بشوند، با تمام خطراتی که می تواند برای آنها داشته باشد ؟

—چند سلاح مدرنتر می توانند تحویل همکاران استعمار غرب دهند ولی با آگاهی به این امر که روزی همین سلاح ها می تواند علیه اهداف دیگر به کار بسته شود، از جمله علیه برتری هوایی اسرائیل ؟

— و آخرین ولی نه کم اهمیت ترین، با آگاهی به این امر که تمام این موارد از سه سال پیش مطرح شده بوده، چه دلیلی وجود دارد که امروز برای این پرسش ها پاسخی بیابیم ؟

سخنرانی اوباما از روی ناتوانی بود : او با افتخار از بیرون کشیدن نیروهایش از افغانستان و عراق می گوید و از قتل یک شبج می گوید که ده سال پیشتر در گذشته بوده و تنها روی نوارهای صوتی الجزائر زنده مانده بوده است. او اعلام می کند که علیه تروریسم مبارزه می کند، در حالی که همه جا از آنها حفاظت کرده است. او اعلام می کند که می خواهد به شکل مؤثر از «اپوزیسیون سوریه» پشتیبانی به عمل بیاورد، ولی فوراً کنگره را ندیده می گیرد که طی بحران سلاح کیمیائی خواهان بمباران کشور نبود.



دبلمه های جدید مدرسه نظامی وست پوینت از رئیس جمهور اوباما استقبالی که شایسته پیروزی هایش باشد را به عمل نیاوردند

این سخنرانی چیزی به جز وراچی ظاهر سازانه نیست که می خواهد سقوط اجتناب ناپذیر را استتار کند. او حضار را به خاطر رویاهای پیروزمندانه اش به شگفتی واداشت که غایت حرفهای آن را دریافته بودند. خلاف تمام انتظارات، کمتر از یک چهارم ۱۰۶۴ دبلمه مدرسه نظامی وست پوینت برای رئیس جمهور دست زدند، در حالی که اکثر آنها بی اعتنا مانده بودند. امپراتوری به آرامی می میرد.

[1] « [Discours de Barack Obama à l'académie militaire de West Point](#) », par Barack Obama, Réseau Voltaire, 28 mai 2014.

[2] « [Réflexions sur l'annonce officielle de la mort d'Oussama Ben Laden](#) », par Thierry Meyssan, Réseau Voltaire, 4 mai 2011.

[3] « [Le Pentagone adopte la formule "2, 2, 2, 1"](#) », par Alfredo Jalife-Rahme, Traduction Arnaud Bréart, La Jornada (México), Réseau Voltaire, 27 mai 2014.

[4] « ["PresidentObama'sforeignpolicyisbased on fantasy"](#) », éditorial de la rédaction du Washington Post, 2 mars 2014.

[5] “[Israeligeneralsays al Qaeda’sSyriafighters set up in Turkey](#)”, par Dan Williams, Reuters, 29 janvier 2014. « [Lettre ouverte aux Européens coincés derrière le rideau de fer israélo-US](#) », par Hassan Hamadé, Réseau Voltaire, 21 mai 2014.

[6] « [Discours de Barack Obama à la National DefenseUniversity](#) », par Barack Obama, Réseau Voltaire, 28 mai 2013.

ترجمہ توسط حمید محوی | پاریس

Un Empire sans stratégie militaire